مبانی فقهی مداریت خطر در مقایسه با پژوهش

سعید حیدری، سیدحمید مرغلی‌ی

1. استاندارد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسان). اصفهان، ایران
2. دانشگاه پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: 96/3/30، تاریخ پذیرش: 97/1/19)

چکیده

در روابط با پژوهش‌های در روش‌های اساسی محرمان این در روش‌های انسان جامعه به‌طور جزئی به‌طور کلی این در ایران و از این المان می‌کند و اجرای آن در هر شرایط و به‌طور کلی قیمتی لازم و ممکن می‌داند و در روش‌های مداریت خطر با به‌طور کلی روش‌های كه به‌جای نگاه صرفه‌های افرادی و ارزشی معطوف است باید جرم را به‌عنوان یک پایه اجتماعی (که استخراج جامعه اصلی ترین عامل ان است) پذیرفت و مداریت کرد. بر اساس نظریه مداریت ریسک، چگونه در مواردی باید برای اجتناب از رفتارهای برخورداری با خطر کم‌رس را در سرزمین به‌کار گیری این امر با نگاه هنجاری باید نسبت به سیاست جنایی بر اساس این نظریه به برخی مبانی و اصول فقه اسلامی منطبق است که باید بررسی شود. بحثی متاب و مبانی طاقت و مهم، دفع افسد به قادس و امثال آنها شاید به‌عنوان اصل رین مبانی این روش‌ها، باید سخن جدیدی در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران باشد.

واژگان کلیدی

پژوهش‌های، خطر، سیاست جنایی اسلامی، فرضت، قطع، مداریت ریسک.

Email: mirkhalili@ut.ac.ir

نویسنده‌ملو: 9*
مقدمه

هرچند ترهیدی نیست که در همه مکاتب و انواع سیاست جنایی، جرم چیزی جز نقض هنجرهای مهم جامعه بر اساس مبانی ارزشی همان جامعه نیست و تفسیر سیاست جنایی به ارزشی و علمی کامل، استاتیک جوی، توجه کافی در هنگام برخورداری این اضطراد در جوی‌گاه ارزشی به واسطه علیه این بیشتر، با استفاده از ایثار آمار، در آموزشگاه‌های جامعه با چشمان باز و واقعی‌نگاران در نظر گیریم. از آن رایگان امواره‌شناسی تحت عنوان عدل‌الفنین آماری یا به تعبیری عدل‌الفنین سنجشی شاخص مجرمان بخطر در راستای پیش‌بینی‌های مرز خطرناک و نوع رفتار آنها در آینده به روش‌های آماری توجه می‌کند. دسته‌بندی مجرمان به بخطر و کم‌خطر، در نتیجه این نگرئی مورد توجه قرار گرفت. در کشورهای توسیع و پیچیده مطالعاتی بین‌بین این رایگان، موجب شد تا دستگاه عدل‌الفنین در صدها نظارت بر مجرمان و خنثی کردن خطر آنها با آیای بر اساس نظریه مدیریت ریسک جرم، به‌جای مبارزه به‌تیجه و پر‌رهیمه به‌همه مجرمان بدن در نظر گرفته می‌باشد تا شهردار بر آمار کلی جرم در جامعه به‌ترتیب امکانات احتمال نهاده‌ای عدل‌الفنین ریسک مبارزه با برخی از مترکیان شود که هم‌وقت مقام بهره‌کاران گروه‌های بخطر محصول می‌شود و تداویر پیش‌گیری‌های کیفی به‌صورت گسترده‌تر به فراورده افراز مستعد برخکاری در نظر گرفته شود. بر اساس پیش‌بینی‌های بخطر ارتباطی این راه‌های سنجش با استفاده از ضایع‌های همبسته‌ای که جرم‌شناسی به‌مست می‌دهد، عادتاً روش‌های بالینی و خصوصاً شاخص‌های آماری، نقش اساسی در ارزیابی خطرناک‌های مجرمان ایفا می‌کند. در این زمینه، عدل‌الفنین سنجشی یا آماری در سیاست جنایی با استفاده از روش‌های سنجش آماری خطر و با منطق محاسبه‌ای به‌یه سنجشی می‌پردازند تا از انتقال تکرار رفتار بخطر توسط افراز دارای مشخصات جمعیتی خاص اقدام شود. در سیاست کیفری با این راکرد، مترکیان خطرناک با کیف‌های تواناکر و حبس‌های بلندمدت ختنی کنده‌ای جامعه

1. Actuarial justice
مباحث فقهی مدیریت خطر در مقاله‌بای دکتر اصلی گستری

در مقابل مجرمان کم‌خطر با بخش نرم و انعطاف‌پذیر عدلثلت کیفری رو به رو خواهند شد (نجفی ایران‌آبادی و ایران‌آبادی، ۱۳۹۳: ۹). با بهره‌گیری از راهیافت جرم‌شناسی مدیریت ریسک جرم، در سیاست کیفری ایران استفاده از این رویکرد در مراحل محکممه و پیش‌محکممه تأکید بر تشکیل پرونده شخصیت منهم و صدور قراردادهای تأمینی مناسب گرفته تا مرحله تعیین مجازات و استفاده از شیوه‌های مدیریت ریسک و سنجش‌های بالینی، در راستای ایجاد تحول نیاز‌پذیر است.

مدیریت ریسک در این مقاله یک معنای خاص دارد و بسیاری از لوازم این نظریه از نگاه غربی‌ها می‌باشد. از نظر این مقاله مدیریت ریسک به عنوان یک شاخه گسترش یافته در جریان از یک مبنا به خیاطی و ساخت و تلقی همه جرایم به عنوان رفتارهای خیانت‌آمیز و شریانمانی با این تلقی می‌باشد. بنابراین، به عنوان معطل و خطرناک برای جامعه باشد که با توجه به وضعیت شرکت و کمیته کنار آن گام برداریم. لذا باید پذیرفته که وقایع مهم بالاتر درصد زندانیان بازگشت به جرم دارند. تدوین برنامه‌های مدیریتی که موجب شود بررسی و تدوین ریسک به جرم داشته باشیم، نوآمکت مدیریت ریسک است. یکی از مدیریت مستلزم گک‌هاداری بخشی از مجرمان در خارج از زندان با جرم‌داهنده از رفتار آنان به‌سایر تداوم باشد. پس از پرداخت به چیستی و ضرورت تدوین سیاست جناحی بر اساس مبانی مدیریت ریسک، نکته مهم و اساسی این است که سیاست جناحی ایران در ابعاد غیرکیفری و کیفری با باید بر اساس مبانی و آموزه‌های اسلامی تدوین، طراحی و اجرا شود. لذا این است که استفاده از این رویکرد با مبانی و قواعد مورد پاسخ در فقه امامیه تنظیم شود. در این پژوهش در اجرای سیاست‌های مراجعه‌ای بازگشت امکان از غیرکیفری و کیفری که از آن به سیاست جنایی تعیین می‌کنند، رویکرد آموزه‌های فقه امامیه را بررسی می‌کنیم. در صورتی که چنین انعطاف‌پذیری در سیاست جنایی اسلام وجود دارد، یک کانویکی که در مواردی برای کارآمدی سیاست جنایی از جرایر برخی قواعد و احکام صرفاً نظر و بر بخش‌های دیگر تمرکز کنیم، سؤالی که مطرح می‌شود این است که مهم‌ترین مبانی این رویکرد در فقه امامیه چیست؟

اگر چه مبانی جرم‌گزاری و تعین واکنش‌ها و سیاسی از امور دیگر در سیاست کیفری
بر اساس نظام‌های مختلف منابع اسلام، لیبرالیسم و بوسیلاییسم مفاهیم فواید و هزینه‌ها، استفاده از مزایای ان تعارض با تفاوت‌هایی در انواع نظام‌های مزبور امکان‌پذیر خواهد بود. منظور می‌رود مبانی نظریه ریسک‌زا به دو قواعد مختلف منابع اسلامی این تفاوت، اصل ضرورت قاعده‌ای اهم و مهم، قاعده‌ای دفع ضرر محتمل و امثال آن (که در فقه اسلامی فراوان است) جستجو کرده. لذا بخشنده این مقاله بر معرفی این نظریه تمرکز دارد، زیرا تاکنون بحث جدی و شفافی در آثار علمی راجع به آن صورت نگرفته است و سپس به بررسی مبانی این نظریه در فقه اسلامی می‌پردازیم.

**بند اول: مفاهیم**

الف) مفهوم ریسک

ریسک در لغت معنایی خطر یا به خط‌زدایی انجام‌یافته است (کاوسی برومند، پناهه ۱۴۵). این واژه در حرف عبارت است از خطری که در مورد یک اقدام به عنوان عدم اطمینان در مورد وقوع حادثه‌ای در آینده پیش می‌آید؛ هرچه قدر این عدم اطمینان بیشتر باشد، اصطلاحاً گفته می‌شود که ریسک زیادتر است (راعی و سعیدی، ۱۳۸۵: ۴۴). این حمله که ریسک، ما را به شرایطی مربوطاً خطر و فرصت مواج یا سازد این مفهوم ریسک را بیشتر بدهم می‌کند. واژه ریسک در علم اقتصاد کاربرد فراوان دارد و عبارت است از: احتمال متفاوت بودن نرخ واقعی با نرخ مورد انتظار سرمایه‌گذاری (ریموند پی نور، ۱۳۹۲: ۲۱). در تعبیر دیگری ریسک به «چارچوبی که در آن واقعه‌ای اتفاقی به احتمال رخ خواهد داد» (نماهی‌پور وزارتخانه، ۱۳۷۸: ۲۱۵) یا (ریسک) که در آن رشد از نمایشگر احتمال با استفاده اتفاقی منفی (فرهنگ، ۱۳۸۴: ۴۳۳) و همچنین به معنای ضرر بالقوه و قابل اندازه‌گیری یک نوع سرمایه‌گذاری (جمهوری اسلامی و پادشاهی، ۱۳۸۵: ۴۷۵) آمده است.

از نگاه اقتصادی ریسک احتمال وقوع یک زیان مالی است. دارایی‌های که احتمال بیشتری برای رفت‌وآمد وجود دارد، پر ریسک‌تر از دارایی‌های هستند که احتمال از بین رفت‌وآمد کمتر است. اما در تعاریف رسمی‌تر، اصطلاح ریسک مترادف با عدم اطمینان به‌کار می‌رود (نوروزی، دیوانی دیلمی، ۱۳۸۵: ۴۵۳). نظر به اینکه انسان یک موجود
محاسبه گر است و تلاش دارد تا در هر نوع فعالیت منفعت بیشتری را به‌سوی خود جلب می‌کند و خسارتها و هزینه‌های حادثه‌ای خطرناکی به‌دست آورند و به‌منظور بهبود و افزایش کارایی، مجموع هزینه‌ها و منافع با هم‌دست در مورد حاضرند برای به‌دست‌آوردن منافع خاص تا میزان معنی‌ریسک کند و هزینه‌های بروزند. اگرچه ممکن است که خطرهای حذف‌شونده، شادی در سطوح معقولی نماید، اما تاریکی در نظام عادلی که از هم‌گام‌های آزمایش‌شده، پیامدها، مقایسه‌ها و رتبه‌بندی می‌شود. آمارگرای علاوه بر توجه به عوامل جرم، شیپر به شاخص‌های تشخیص دهندگان خطر می‌پردند. هدف سیاست کیفی مثبت بر عادلیت آماری قبیل درمان جرم، پیش‌بینی و مدیریت آن است. نظام عادلی آماری، ریشه‌سازی است بر تجزیه و تحلیل کسترده‌ای که نهادهای عادلی کیفی (و جرم‌شناسان) از وضعیت ریسک مجرمانه‌دارند و راهبردهای کاهش خطر آن را مورد توجه قرار داده‌اند؛ لذا به فهم درلایل واقعی آن یافتن راهبردهای در مورد اصلاح اجتماعی و پیشگیری اجتماعی، کمتر اهمیت می‌دهند. این راهبردها نوبت بود و توسط بعضی افراد مورد بحث قرار گرفته است. پیکر از ریکورد‌ها در این سیستم، عادلی کیفی تخمین‌بندی هست، زیرا محل تصمیم‌گیری از پیش‌ترهای آموزش داده‌است. هرچند بحث کیفی به قضاوت‌های متصل شده که از مدل آماری ریسک‌محور ناشی شده‌اند. در اینجا، یک مدل آماری و مجموع امتیازات و احتمالات است که در آن روند عادلی کیفی را به‌جای تجدید، هوشمندی با داشت تحلیل منحصر به فرد می‌کند. یک ترکیب از ایمپراپیتی در عادلی کیفی و جرم‌شناسی که‌توان وجود دارد اگرچه میزان آن مورد بحث است) با وجود داشت، گزارش‌های دیگری در جرم‌شناسی و تحلیل‌های آماری خطر وابسته نیستند و از نگاه عادلی کیفی وجود دارد که به تحلیل‌های آماری خطر وابسته نیستند و از نگاه
جرم شناسان بعد است که امارگرانی جایگزین همه رهایتهای گوناگون برای مطالعه
جرم شود (آرین و پار، 1394: 12).

(ج) مفهوم مدیریت ریسک
مدیریت ریسک در صدد به حداکثر رساندن منافع و به حداکثر رساندن هزینه‌هاست. بر
اساس این نظریه، هدف مدیریت ریسک است که حذف ریسک (پارک، 1378: 144).
به‌ویژه در موضوع جرم اعتقاد به این است که جرم یک پدیده حذف‌ناشدنی از جامعه
است و باید مدیریت شود. شناسایی ریسک‌ها در مرحله اولیه تصمیم به ارتباط ریسک
مجرمان را به مبارزه مهم است و نادیده گرفتن این ریسک‌ها، مشکلات متعادلی را در مرحله
قضا و اجرای به‌وجود می‌آورد. اهمیت شناسایی ریسک‌ها در مرحله طراحی یا تصمیم
مجرمانه از این جنبه است که می‌توان با هزینه کم، فاقد بسیاری به‌دست آورد یا مانع
ارتباط جرم با هزینه کم و بازدهی بسیاری شد. در فاقد وقوع رفتار مجرمانه با ریسک‌های
متعادلی برخورد می‌شود که بسیاری از آنها را می‌توان با مدیریت صحیح تا حد بسیاری
کنترل کرد و این تجربه را به سایر موارد مشابه تصمیم داد. برخی از تعریف‌هایی که از
مدیریت ریسک بیان شده به شرح زیر است:
مدیریت ریسک عبارت است از: "فرایندی که از طریق آن یک سازمان با
سرمایه‌گذار به روشی به‌همه در مقابل انواع ریسک‌ها از خود واکنش نمی‌دهد" یا
به عبارت دیگر: "فرایند مستندسازی تصمیمات نهایی اتخاذ‌شده و شناسایی و
به‌کارگیری معیارهایی است که می‌توان از آنها جهت رساندن ریسک تا سطح قابل
قبول استفاده کرده" (McGregor & MacDonald, 1990).

همچنین گفته شده است: مدیریت ریسک فرایند نظامی‌شدن شناسایی، تجزیه و تحلیل و
پاسخ به مخاطرات طرح، بهم‌نظر حداکثر کردن نتایج و مقایسه مثبت و حداکثر کردن
احتمال وقوع منفی یا بهبود منفی بر اهداف طرح است" (پارک، 1378: 144).
بنابراین مدیریت ریسک نیازمند سبقت گرفتن در پیش‌بینی وقایع و شناسایی خطرات و اقدام برای
کاهش حداکثری ریسک ناشی از آنها در صورت وقوع است.
بند دوم: اهمیت و ضرورت استفاده از مدل مدیریت ریسک

احتمالی برای مراجعه به مدل مدیریت ریسک برای روش‌های آماری در تعيش سیاست جناییی موجب می‌شود که نگاه واقعی به‌نگاه
در مبارزه علیه جرم به‌وجود آید. برای مثال نگاهی کلی به سیاست کنترل ایران در دوران
پس از انقلاب نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۷ که جمعیت نیروی حادثه می‌شود، میلیون
نفر بود. جمعیت زندانیان به کمتر از ۱۰ هزار نفر می‌رسید، اما اکنون که جمعیت کشور به
اندکی بیش از دو برابر نسبت به آن زمان رسیده، جمعیت زندانیان به بیش از پنج
برابر رسیده است (رزنامه شرق، شنبه ۳۰ مِرداد ۱۳۸۹، شماره ۱۳۴۵). در روشکرد
هنگاری معتقدند که هرکس قانونها را نقض کند، باید بر اساس قانون حمایت و مجازات
شد و هر پیامدی داشت اهمیت ندارد. در نظریه مدیریت ریسک، سیاستگذاری‌های کلیان
نیازمند تدبیر، خرید و یک برخورد عملی‌ای است. باید به آمار توجه ویژه شود. آمار
جرم، انحراف اعماً از اعتیاد، طلاق، خودکشی و صورت اتوکدی کاجری، در داده‌برنامه باشد.
محرمانه بودن این آمارها مساوی با غیرعملی بودن سیاست جنایی و افتراق روزافزون آمار
جرم و کرجوا در جامعه است. اگر علاوه بر اقدام‌های حقوقدانان، مدیران بخشهای
قضاوت اجرایی نیز انجام‌دهند و عملکرد خود را بر اساس منابع نظریه مدیریت ریسک
متطبک کنند، آنچه اهمیت بی‌پرداز که به آمار جرم است. بخش‌های مختلف جامعه
تعمیم ظرفیت خود و سالیانی را به سر می‌گیرند تا این مهم محقق شود. برناوهای جهت دار
و هدف‌مند هستند. غالباً تصور بر این بوده که جرم به است، لذا مجرم هم به نیه بیع آن بند
است و باید مورد نفرت باشد. اما خداوند بر اساس منابع، بیان می‌فرماید که جرم و
مجازات هر دو بند و مورد نفرت است، و جزای بند سبیل‌ساز مثلها (شوری: ۴۰).

مگو ناخبوس که پاسخ ناخوش آید
به کوه آواز خوش د تا خوش آید
(ناصر خسرو)

اگر این روشکرد حاکم شد، فقط به‌دلیل بندترین پاسخ نخواهیم بود و دیگر قاضی
توبه نخواهند کرد که من چگونه مرتبش را بدون مجازات آزاد کنم؟ در حالی که
زبان‌درکن‌ها از جرم، از من اعتizar عقیده مجازات ضحی را دارند، مستوفی سیاست جنایی و
سیاست‌گذاران جنایی باید این بدانن را نیا از قاضی بگیرند که چگونه به مجازات‌ها و رها
کم، در حالی که هیچ تدبیر و مدرکی نسبت به رفع خطر مرتبط یا جامعه صورت نگرفته است و می‌تواند بین بیان صفر و ۳۲ هیچ یا بیان اجباری مخیکم؟ اینه نظریه مدریت ریسک بر اجرای سخت مجازات‌های برخی مجرمان تأکید می‌کند. جرایمی که خود مشترک و ریشه سیاسی از جرایم دیگر هستند، جرایمی که عدم برخورداری با آنها یک عدلی نیست و تبعید و انتقال‌جویی را در جامعه دامن می‌زند.

بنابراین، اساس و پایه‌ریزی یک سیاست جنایی کارآمد و مؤثر، نیازمند توجه به این نظریه با رویکرد تیپین شده است. در این پژوهش در صدی‌میان تعلیم در این تلاش بر اثر تاثیر محیط و ضرورت توجه به این مهم و آثار آرژنتین آن در طراحی و اجرای یک سیاست جنایی کارآمد، به مشروط و مبنا، فقهی آن نیز پرداخته، این مهم اوله فهم و مبانی سیاست جنایی اسلام نه تنها با این دیدگاه تفاضل و تغییرات ندارد، بلکه آن را مورد توجه و تأکید نیز قرار میدهد.

بند سوم: مبانی فقهی مدریت ریسک

پیده‌ای است که در اجرای سیاست کفایی اسلام، به آیات و روایات و آموخته‌ها اعم از مبانی خاص محدود محسن که دست‌ما را برای جرم‌انگاری و جرم‌زا باید نمی‌گذارد. برای مثال سیاست جنایی اسلام به ما این اجازه را نخواهد داد که برای کاهش آمار تجارب به عنف، از زنانی با رضایت جرم‌زایی کتیبه و مانند برخی کشورها، آن را فاقد وصف مجرمانه به‌شماریم. در سیاستی از جرایم شرخ بر جرم‌بودن یا نبودن یک امر اصراری ندارد و آن را به حاکمیت واگذار کرده است.

توجه به ابعاد مختلف سیاست کفایی اسلام در حوزه‌های جرم‌انگاری و کفاینگاری، ادلة ابزاری و سخت‌گیری یا آسان‌گیری در این ابعاد، فرض‌سازی، کفرزدایی، برهکاری، اختیارات قضاوی و مراجع قضاوی در اصل تعبیر یا تعیین کفر، دست‌بندی جرایم، جرایم مستحب حدود، قضاوی، دیدن و تعریفات، تفاوت اساسی فاصله‌بین برهکاری بقیدیده و بقیدیده، بقیدیده و بقیدیده، و که مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد، یک نظام هدف‌مند، انعطاف‌پذیر و غایب‌مار کفایی را در جهت مهار برهکاری و کاهش آمار جرم به ما معرفی می‌کند.
پژوهش در این زمینه ضروری است که کدام یک یا یک هم از اینکه، اصول و مبانی، در سیاست کیفری اسلام به ما اجازه مدیریت ریسک را می‌دهند. یعنی می‌توان بر مبنای آنها منطقه‌ای کرد و در راستای مدیریت برهکاری در جهت کاهش آمار جرم، برخی موارد چنین پوششی و صرف نظر شوند. با اینکه برخی تصویر می‌کند سیاست کیفری اسلام روزگار غيرمنطوف، مجازات‌گرای و با دامنه جرایم کتیردنه دارد، بررسی اجمالی این سیاست کیفری و مقایسه آن با سیاست کیفری حکی در کشورهای غربی، خلاف این امر را نشان می‌دهد.

الف) سختگیری در بیان برهکاری خواص و انعطاف‌پذیری در مقابل با برهکاری عوام مردم در بررسی برهکاری، به دو گروه از برهکاران بررسی می‌کردیم. بسته به نشسته که به‌طور همزمان عظیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، کسانی هستند که علاوه بر فقر فکری و فرهنگی، دچار فقر مالی و اقتصادی شدید هم هستند و به همین دلیل گاهی مرکب جرم می‌شوند. این دسته بسیار راحتتر از دیگر قروه‌های اجتماعی، بر جلسه مرجعان می‌خورند. بسیاری از تحقیقات انجام گرفته درباره جرم و پیشگیری به عوامل مانند فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مشکل مسکن، اعتیاد و مانند اینها اشاره دارد. یکی از بزرگ‌های بروخورود و واکنش سیاست کیفری اسلام در مقابل برهکاران درون حکومت، این است که بیهوده در نظر گرفتن هر گونه مصحت‌جویی و بهبود حفظ حیثیت نظام و امتیاز برخورد جدید با خیانت‌کاران درون نظام را ممکن ندارد و ضمن مجازات و رسوا کردن آنان، موضع ارتكاب جرم را از آنان سلب می‌کند. اما ملال علی (ع) در نامه خوید‌خطاب به مالک استر می‌فرماید: اگر یکی از آنان (کارگزاران حکومتی) دست به خیانت دراز کرده و خیزها شاهدان مورد اعتماد تو آن‌ها تایید کرده، به این اکتفا کن و پس از که او را مجازات بدهی کرده و آنچه از عملش به‌دست آورده‌ای، اگر وقفی، او را به متوغیت خواهی و ذلت نشان و خیانت به او برد و قلاده نشگین اتهام به گیرشان، پیامبر...) (عهد 1348، 61). این‌طور بیان دیگری ضمن تأکید بر عدم سوداسیه‌ای به مجرمان در طبقه کارگزاران حکومتی، می‌فرمایند: افراد خیار و خفیف شرده‌شده نردان عریزان، حتی اینجا را بگیرم و افراد قوی نرد من ضعیف‌تر یا نمایندگانی که حق‌ها به‌ایالام نمی‌رسد، از ایشان بستند، این ابی‌الحیدر ر. 1378 ج. 55. این برخورد دوگانه‌ای که در دو موضع مختلف تووصیه
من شود، نفع سیاست کیفری است که نتیجه‌اش مراجع قضایی و زندان‌ها را به عکس توصیه فوق درگیر کرده است.

امام همچنین آن نامه‌ای به زیادی آیه عامل عبداللهدین عباس در بصره می‌نویسد: «و آنیّ أقسم بالله فیمما صادقاً لّت بنعفی آنک خُنُن من قَوْمِ الْمُسْلِمِينَ یَتَّیبُن صِغرًّا أو يَسُرُّا. لأنشُنّ على کُل شَیء نَذَّرُ فلیک أُوفِرْ. تَکِیل الْأَمْرِ، والسَّلَام; به خدا قسم می‌خوردم قسم صادقانه، گر به من خبر رسید که در بیت المال مسلمانان در مالی اندکی یا زياد خیانت ورزیده‌ای، چنان بر تو سختگیری کنم که تو را تهدیست و منگین بار و دلیل و پست کندا و السلام» (نهج البلاغه، نامه ۲۰). یکی از مشکلات و صالش‌های اساسی که در مورد اثبات چراپی اشراف و کارگران وجود دارد، این است که آنان در محاسبات خود امید زیادی به فرار از مجازات دارند. ابتدا امید به یک دارند که جرم‌شان کشف نشود و در صورت کشف، امکان اثبات مجرمیت و تقصیر وجود نداشته باشد. یکی از مهم‌ترین راه‌های فرار آنان، ادعای فقد سوئیت و تلقی فعالیت‌های مجرم‌مان در قبال امور خیره و فعالیت‌های خیر خواهانه و سپید به حال جامعه است. اعمال تفویض بر مقامات انظمی، قضایی و اجرایی، این می‌تواند بر آنان سهل‌تر می‌کند. برخی کشورهای غربی برای جلوگیری از فرار این‌گونه مجرمان از مجازات، مسئولیت مطلق کیفری را پیش‌بینی کرده‌اند. جرایم با مسئولیت مطلق، نیازمند اثبات تقصیر نیستند. شاید از عبارت «فَإِنْ أَحَدُ مِنْهُمْ يَسِيرُ وَإِنْ كَيْفَ مَنْدِهِ» اثباتی به یکی از مقالات از کتاب‌های مذهبی و الداریده از توضیحات و اظهارات حکایی و کیفیتی از این‌گونه م_ISR _ کیفیت بذل شده، در نامه ۳۳ نهج البلاغه، بتوان استفاده کرد و واژه‌ای از آن است. قرار دادن منبی به جر تقصیر چهت احراز مسئولیت کیفری در حقوق جرای اسلام بحث مفصلی را می‌طلبد که در این مختصر ممکن نیست.

در مقابل مجرمان ضعیف کسانی هستند که جزو نیوهای مردم، و غالب‌اً جرای کرچک و کم‌هم‌بینی را در مقایسه با گروه قبیلی مرکب می‌شوند؛ امام (ع) درباره این‌ها همواره دعوت به مسالمه، تفاوت و در، کیفری‌زایی و قضایاً دارند و می‌فرمایند: «قلب خود را از رحمت
میانی فقهی مدیریت خطر در مقابله با برده‌داری

و محبت و لطف به مرتبت پر کن و در مورد آنان مانند حیوان درندل‌های که خوردن اینشان را
غیبت می‌شمرد، نباید پس آنان دو گروهند یا برادران دوین توهای منعونه تو در خلفندت.
لغزش از آنان زیاد سرمزند و دچار بیماری (اجتماعی) می‌شود و مرتکب عمد و خطا
می‌شود و از عفو و گذشت خود چنان آنان را به‌هم‌هند که که دسته داری خدا آن‌گونه بر تو
عفو و گذشت نماید ... (۱۳۹۸:۴۲۶). در ادامه سخن فوق می‌فرماند: "با بد بهترین
کارها در نظرت عملی باشد که به حق نزدیکتر و برای گسترش عدل مفیدتر و برای جلب
رضایت و خشنودی مردم جامعتر باشد. زیرا خشمش مردم خوشحالی نزدیکیان را در هم می‌شکند
و خشنودی مردم عصیانیت نزدیکیان را بر طرف می‌سازد." (۱۳۹۸:۴۲۹).

امیر مؤمنی (ع) در مورد جرایم کم‌همبینه یقینی‌اها آنان را از اقرار کردن منع می‌کرد و
می‌فرمود: "آیا نمی‌توانید گناهی که مرتکب شده‌اید، آن را فاش نسازید و به آن اقرار نکنید
و روي آن را بی‌شانید آنجانه که خداوند پوشانده است؟" (این‌تابویه، ۱۴۱۰:۴:۲۱). در
معنای "بی‌فرند می‌خونند" کفته شده، مراد این است که مردم غیر مصون‌می‌شوند، و طبعاً آنجار
اشیاء و خطا می‌گردد و در معنای "علی" در عبارت "و تنهاه به دلیل" نیز مقصود
امراش معنی و "باطل و روحي" است و بهعبارتی علیه همان استباب و انگیزه‌های
معاصی است (۱۳۹۸:۴۲۷).

هرچند اجرای نظیره مدیریت ریسک‌گاهی در این راستا بوده که برخی مجرمان
خطرناک هرچند متعلق به طبقات فردست جامعه هستند، مورد تدابیر طردي قرار گیرند،
لیکن مدیریت خطر از نگاه اسلام افتضا دارد که با افتراقی کردن سیاست کیفری این
مدیریت را سازمان دهد. بر این اساس واکنش‌ها علیه مرتکبی جرایم مهم و کسانی که
به‌عنوان هشت برهگاری در جوامع شناخته می‌شوند، واکنش‌شیدنتر و قاطعانه‌تر بوده و بی‌سیاری کسانی که زنافرانی تأثیری بر برهگاری دیگران ندارد یا تأثیر بسیاری کمی دارد، با
واکنش همره با نماه و نسایه و مواجه شوند.

(ب) قاعدة مراقب تعزیر

امکان سنگین کنار گذاشتن کیفر به عنوان یک واکنش حتمی علیه برهگاری یکی از جلوه‌های
مدیریت ریسک است (ماری، ۱۳۸۹: ۴۲) که در نظریه مراقبت تجزیه مورد توجه قرار گرفته است. تعیین درک‌رسیدگی، فهم و دیدگاه یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین واکنش‌ها علیه پدیده محترمه در سیاست کیفیت اسلام است. سیاست کیفیت اسلام بر اساس این قاعده بر مدیریت ریسک جریان تأکید کرده است. نورا، بین‌المللی موفقیت به کلام فقهی اشاره و خواهش شده، مقرر شده است در صورتی که با اقدامات مانند وضع و تولید یا نظارت و مراقبت بیشتر از چرب پیشگیری کرده، نه تنها به مراحل شدیدتر تیزی نیست، بلکه استفاده از مراحل شدیدتر اساساً مجاز نیست.

از دیدگاه بیماری از فقها چنانکه بحث و قباده، یک بنوان با استفاده از مراحل ساده‌تر مانند تغییر و سرزش و املاک ان ترک بر جلوگیری کرده که می‌تواند بر جلوگیری از درست نیست. منظور از مراقبت تعیین این است که طی مراحلی از برخوردهای خصوصی‌تر در مقابل بروز ارتباطات مالی و در صورتی که این تدبیر مؤثر واقع نشود، سرگزار مراحل شدیدتر رفت. این سیاست‌بندی و رعایت قاعدای اساسهال در قانون‌های موضوع‌ی ایران بهبود در کشورها به‌صورت محدودی رعایت شده و بدان توجه شده است. بسیاری مثال در مواردی که منتفی از رفتار خود پیش‌بان و پایشاه سایبانناری باشند و خسارت شاکی را تأمین با رضایت او را اعتراف کرده باشد، فرضی معنی دارد در مراحلی از ذخیره دیده یا به نوعی خصوصی‌تر تبدیل یا حتی طبق مقررات تعیین کند. اما مراقبت تعیین مفهومی فرانت از این امور است. نورا در موارد ذکرشده اصل بر أعمال مجازات‌های تعیین شده در قانون و ذخیره‌های این تعلیق و املاک انها خلاف اصل است، لیکن در بحث مراقبت تعیین در حدود‌هایی که پذیرفتنه شود. اصل بر سلسله‌بندی بوته و برخوردار با مراحل خصوصی‌تر الزام است و در صورتی که مؤثر واقع نشده، مراحل بعدی اجرا می‌شود. اکثر علومی علوم معتقدند که تعیین نوع تعیین به اجرای امکان و مصوب‌گری را و اکذشت شده است تا آنچه را مصوب‌گری می‌دانند، اعمال کنند. پس می‌تواند به یک تغییر و سرزش ساده شود یا به این روش گذارد و مراحل دیگری را در نظر گیرد (ابن نجمی، سال ۶۵: ۴۵). بنابراین تعیین به نوع بیماری از فقها، ازجمله فقه‌های علوم، دارای مفهوم مطلق و وسیع است که هدف از اجرای آن من به‌دست آوردن برای است و مراقبی درد؛ از این رو متحضر در مصدق خاصی نیست، بلکه تغییر، تعیین، اعمال از
مسيئ فقهي مديريت خطر در مقاتله با برزگانی

 maltif̣ و... نوعی تعزیر لاقب می‌شود و می‌توان از این مراتب با توجه به نوع معسیت و شخصیت مجرمان استفاده کرد (نوری، ۱۳۶۸: ۱۳۵; ماووری، ۱۴۰۶: ۲۳۳). چنان‌که برخی استفاده از مصالح شدید تعزیر را به سبق نهی و توبیخ مجرم می‌توانند. و ظاهر عبارات فقهی امامی نیز بر رعایت مراتب تعزیر خصوصاً با توجه به معسیت ارکانی و شخصیت مجرمان دلالت دارد (شیخ طوسی، ۱۴۲۸: ج ۸، ص ۶۶ـ ۷۹؛ الاصفهانی (فاعل هندي)، ۱۴۰۵، ج ۳، ۱۹۱: الفرشي، ۱۴۰۸: ۱۹۱)

شیخ طوسی در کتاب الخلافه بیان می‌دارد: در این‌جا تعزیر و اجرای آن خیلی از وظایف امام و در اختیار این اخلاقی در میان علما و وجود ندارد و لی در صورتی که امام بداند مجرم را جز تعزیر، چهر دیگری از ارتباط دوباره آن بایندی می‌سازد، نمی‌توانند از اجرای آن صرف نظر کند و اگر امام بداند که برای متخلف سرزنش و درشک همان اثر کاربرد تعزیر را دارد، می‌تواند به آن اتفاک کند (طوسی، ۱۴۱۷: ج ۵: ۴۹۸: مجله در کتاب تحیریه می‌نویسد: تعزیر ممکن است به زدن بیانیه، حبس یا به توبیخ باشد) به خصوص از عاملی، بن ت، ج ۲: ۲۲۷.

سید علی طباطبائی صاحب ریاض المسائل نیز در این زمینه بیان می‌دارد: این حکم که در ارتباط هر حرام یا ترک واجب تعزیر واجب است، در صورتی می‌باشد که شخص با نهی و توبیخ و اماً آن، از عمل خود دست نکشید، زیرا در این فرض، نهی از منکر واجب است. اما در صورتی که شخص با نهی توبیخ و... آن عمل را انجام دهد، دلیلی برای تعزیر وجود ندارد، مثل در موارد خاصی که نقص شرعی بر وجب تأیید یا تعزیر وجود داشته باشد. برخی معنا تعزیر را عمام از ضریب (شیخ) و مراتب کمتر از آن (یعنی نهی و توبیخ و اماً آن می‌دانند) (طباطبائی، ۱۴۴۲: ج ۳: ۴۸۲)

ج) احکام اولیه و ثانویه

تقصیف احکام اسلام به اولیه و ثانویه نیز امکان مدرک و خطر را در جامعه فراهم کرده است. برای مثال تخبیر مسجد به حکم اولیه حرام است. اما اگر مسجدی در مسیر پیک خیابان واقع شده برحسب که موجب تصادفات مکرر و سلب حیات افراد می‌شود، به حکم ثانویه، تخبیر آن جا اجرا کننده واجب است. اگر حکمی برای موضوعی بدون در نظر گرفتن
برخی از عوارض و عناوین ثانوی مانند اضطرار و همچنین بدون در نظر گرفتن حالت
شک و جهلاً مکلف، نسبت به حکم واقع جعل شود. حکم اولی گفته می‌سوزد. مانند:
و حوض واقع برای نماز حکم اولی در مقابل حکم ثانوی است. منظور از حکم ثانوی
احکام خواهد بود که به لحاظ اضطرار و دیگر عناوین ثانوی نظر آرا؛ اضطرار، عسر و
حرج یا عناوین مثل نذر، اتمام، و تغییر موضوع مربوط می‌شود؛ برای مثال، با
اینکه حکم روزه ماه رمضان و جوی است، هنوز حکم نسبت به مضطر، مرض، زنای در
بعضی از حالات و بیمار تغییر می‌کند؛ پس حکم در این حالات را حکم ثانوی می‌گویند
و چون بیشترین کاربرد آن از عناوین ثانوی، حالت اضطرار است، به آن حکم اضطراری
نیز گفته شده است (مظفر، ۱۴۳۰: ۵۰).

۵) احکام حکومتی

حکم مدقیقی که از ناحیه حاکم اسلامی؛ اعم از معصوم و غیرمعصوم صادر می‌شود و
اصطلاحاً حکم حکومتی نام دارد، از انجا که همراهه دستور به اجرای یک حکم اولی با
ثانوی است، بعضی از فقها آن را حکم اجراپذیر نامیدهانند. امام خمینی در این زمینه بیان
می‌دارد: «گاهی یک مسائلی در جامعه پیش می‌آید که باید یک احکام ثانوی‌ای در کار
باشد، آن هم احکام الهی است؛ منتها احکام ثانوی‌هی؛ رده احکام ثانوی، یک از تشخیص
موضوع به‌وسیله غرف کارشناسی با رد احکام اولی فرقی ندارد؛ چون هر دو احکام الله
می‌باشد» (خمینی، ۱۳۸۸، ج ۱۵: ۱۸۸). به تغییر دیگر احکام حکومتی به مقرراتی گفته
می‌شود که از سوی جداگانه جامعه اسلامی برای برقراری نظام و تأمين مصالح عمومی
صادر می‌شود. این احکام اگر تداوم نسبی داشته باشد و سریع بهداشت و سلامتی بیان کند، از احکام اولیه
به‌شمار می‌رود. این گونه احکام در رابطه با حوادث واقعه‌ها مصالح مقتضیه هستند و
همچنین از احکام متغیره هستند که به شرایط زمان بستگی دارند و قابل تغییرنده و تماسی
احکام انضباطی و آنی نامه‌ها از این قبیل هستند.

و جه تمايز حکم حکومتی با احکام اولی آن است که گرچه هیچ کدام مقدی به تحقق
عنوان عسر و حرج، اضطرار و... نیستند، حکم اولی حکمی است که موضوع آن به ما هو
هو - دارای حکم شرعي ثابت و داعمی است که در صورت نبودن معارض و تحقق

موضوع، ثبوت حكم دائم است. در نتیجه، زمان و مکان به فهم‌رسیدن کنشی خود در این احکام اولیه ندارد. در مقابل، احکام حکومتی به احکام ویژه امر می‌شود که احکام شرع (پیامبر، امام یا ولی فقیه) بر اساس مصالح عمومی جامعه و عیسی‌های مختلف اجتماعی می‌پردازد. این احکام گرچه مقیف به ضرورت و اضطرار نیستند، منوط به مصلحت هستند. لذا هرگاه مراحت با حکم اولیه در صورت وجود مصلحت مقدمه است. حضور امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید:

حکومتی می‌تواند قراردادهای شرعي را که خود با مردم بسته است، در موضعی که آن قرارداد مختلف مصالح کشور اسلامی باشد، یک جانبه لغو کند، و می‌تواند هر امری را جه عبادی یا غیر عبادی، که جریان آن مختلف، مصالح اسلام است آن، ماده که چنین است، جلوگیری کند. حکومتی می‌تواند از حج که از فلسفه مهم الهی است در موافقتی که مختلف صلاح کشور اسلامی دانست، موافقاً جلوگیری کند (خمینی، ۱۳۸۸ ج. ۷۲۱:۲۰)。

شهید صدر که بی‌شنک بکی از نظرهی پردازان این عرصه است، طبق آیه‌ای «التبیین أولیه بالمؤمنین من آنفسهم» (اربعه:۱۲) و نیز آیه‌ای «ای آنان الذين آمَنتُهم» (نیسان:۶۹)، این قانون ثابت را فقط در مورد دخالت حاکم اسلامی در احکام غیرالاصلی، در قالب نظریه منطقه‌ای فلسفه ارائه داده است (صدر، ۱۴۰۶:۲۲۶). از این رو، هرگاه امر مبایح را ممنوع کند، آن عمل مباح، حرام می‌شود و هرگاه اجراش را توصیه کند، واجب می‌شود. البته گاهی که حاکمی که قانوناً مثل حرمت اما تحريم نشده باشد، قابل تغییر نیست: چنان‌که کارنامه‌ها را که اجرای آنها (نظیر اتفاق زوجه) واجب شناختن شده است نیز ولی امر نمی‌تواند تغییر دهد؛ زیرا فرمان وول امر نباید با فرمان خداو اجراک معمومی تعرض داشته باشد. بنابراین، از آن‌ها عمل ولی امر منحصر به آن دسته از اقدامات و تصمیمات این است که بالطبع مبایح اعلام شده باشد (صدر، ۱۴۰۶:۱۳۰۳:۵۳، ۱۴۰۶:۱۳۱۸:۱۹۸۹).

اجرا این حکم ثابت دین در درون خود، این قابلیت را دارد که بتواند نیازهای متغیر زندگی بشر را سامان دهد. لذا می‌توان کلیت که اسلام در برخی موارد مستقیماً حکم الزامی صادر کنند و در برخی دیگر، تشريع حکم الزامی آنها را به‌منظور امکان مدیریت خطرها در انتخاب حاکم اسلامی گذاشته است و نیازهای متغیر بشر مستقیماً توسط احکام
حرفته ویابندگی و غیرمستقیم توسط حکم ثابت دین مبنا به اختیاری به
حکم اسلامی تایید می‌شود.

(5) قاعده اهم و مهم

قاعده اهم و مهم یا قانون اهمیت، به معنای تقدم حکم مهمتر در جایی است که بین دو
حکم (هم و مهم تر) تراحم وجود دارد. بنابراین، هرگاه بین دو واجب تراحم باشد، در
مقام رفع تراحم، در صورتی که یکی اهمیت بیشتری داشته باشد، قدمی می‌شود. این راحل
را، قاعده تقدم اهم بر مهم می‌گویند (صدر، 1405، ج. 2: 215 - 216).

بدون شک قاعده اهم و مهم از باب تراحم است (به تعارض) لذا با این ریسک کرد و
خطر را مدیریت کرد و مدیریت آن ایجاد می‌کند که به رعایت اهم همت و از انجام دادن
هم صرف نظر کرد. مثال‌هایی که در آثار فقهی در این زمینه ذکر شده است، مواردی مانند
جواز اکل می‌باشد. حرم مس نامحرم توسط برخی، ثبت‌گیری هنگام مشروط دادن، کم‌کن
برای اصلاح ذات البدن و اکل مال غیر، در محکوم مصادیق از قاعده اهم و مهم هستند. و
ابن همان مدیریت ریسک است.

همانطور که مدیریت ریسک ملازمت دارد با شناسایی، کنترل و اتخاذ عکس العمل
مناسب در مقابل خطر، در تطبیق قاعده اهم و مهم نیز دیقای هم‌همن فاقدن باید طی شود.
برای مثال زندانی کرون محروم، برای تایید انتیم امور جامعه امر مهمی است. با زندانی
کرون محروم این احساس به وجود می‌آید که انتیم شده و کسی که نقض انتیم
کرده، آن در زندان است و خلع سلاح شده، لذا دیگر توان ارتكاب جرم را ندارد. اما
همچنین انتیم باید بر بالاترین است. حضور فرد در زندان سبب آموزش‌های مطابعه و
جرایت و سفارش بیشتر بر ارتكاب جرم و عادی شدن جرم برای زندان و اعتضاء
خانواده و فشارهای اقتصادی و روایت بر آنان و یسیاری عوارض منفی نیست فرد
بنابراین پرداختن به اهم و صرف نظر کرون از مهم اقتصاً می‌کند که به‌جای حبس کرون فرد
در مواردی که امکان دارد (مثلاً جرایم کوچک، افراد فاقه ساقه و مواردی از این دست)
تلاش خود را بر فراهم کردن زمینه‌های بر جامعه‌بجزی در خارج زندان متکرار کنیم.
پی‌توجهی به نظریه مدیریت ریسک که با مبانی فقهی می‌نماید می‌باشد، بنده مورد تایید

و تأیید است که موجب می‌شود نقلی این گونه باشد که صرف نظر کردن از مجازات‌های
نفر برای ما سخت و گران باشد.

وا) قاعده دفع ضرر محتمل
قاعده دفع ضرر محتمل، از قواعد عقلي است که مضمون آن حکم عقل به دفع ضرر
محتمل با مظنون است؛ بنابراین، اگر انسان درباره چیزی احتمال ضرر بدهد، از نظر عقل،
دفع آن ضرر محتمل واجب است. دفع ضرر محتمل قاعده‌ای مستقل محضو می‌شود که
در فقه امامی به طور خاص و جداگانه بررسی شده است و در حقوق ایران، برخی مواد
قانونی بر اساس آن وضع شده‌اند. بر اساس این قاعده، شرک به ما این اختیار و جازه‌ای
داده است تا آثار و عوارض اجرای احکام الهی را در نظر گیریم و پیش پیشین کنیم، در
صورتی که از اجرای این احکام دچار ضرر و خسارت می‌شومی، ولی اینکه این ضرر
محتمل هم باشد، بتوانیم اجرای چنین احکامی را متوافقت کنیم. این همان چیزی است که
در این نظریه تحت عنوان مدیریت ریسک از آن باید می‌شود.

این قاعده اول‌ا‌درا آثار عملی حقوقی است، زیرا میزان در ضرر در قاعده، هم ضرر
دبی اهمیت مادی و معنی و هم ضرر اخیری است؛ ثانیاً این قاعده به معنی است، بنابراین به نصوص شرعتی محدود نیست و در هر چا ضرر محتمل و وجود داشته
باشد، عقل به وجوه دفع آن حکم می‌کند. این قاعده در مباحث مختلف اصولی، همچون
بحث حجیت مطلق ظن کاربرد دارد. در بحث حجیت مطلق ظنی، گفته شده طن به حکم
شنعی، با گنج به ضرر ملازم است و دفع ضرر مظنون از نظر عقل واجب است، بس عمل
به ظن واجب خواهد بود (آخوند خراسانی، 1413، ج ۴: ۲۰۶).

ز) قاعده لاضر
قاعده لاضر بیکی دیگر از مصادیق مدیریت ریسک در فقه اسلامی است که به وسیله آن
شروع مقدس به‌خطر مصلحت نویه و دفع ضرر از زیر عملی را داشت و به حکم اولیه
مجاز است، ممنوع و تحريم می‌کند. فقه‌ها و اصولیان برای اثبات "الاضر" به تصری، سنت
اجامع و عقل استناد کرده‌اند (محمودی، ۱۳۹۱: ۱۰).
در قرآن مجرد آیات بسیاری وجود دارد که با تصريح به وازه ضرر و مشتقاش در موارد خاص احکامی را ارائه کرده که از بای تعلیم حکم بر وصف حاصل ممنعی عمامی است ولی این را بصورت یک قاعده ثبت می‌کند (خمینی، ج: 2-3، ۹۳، اصفهانی شریعت: 90). 

برای مثال آیه شریقه می فرماید: اِلّا تَقْسِیم وَلّادَتُ بْنَٰلٰکَ وَلَا مُؤَذِّنَةَ لَهُ بُنْدَمَ (بقره: ۲۳۳): 

یعنی نابی مادری به فرزندش ضرر برساند و نه نابی پدری به فرزندش زیان بزنند. در این آیه مادران نهی شده‌اند که با قطع شیر، موجب زیان و ضرر فرزند خود شوند. (محمصی: ۱۷۰). 

به لحاظ اهمیت فراوان این قاعدان در آموزش نوزادان و آموزش پیش‌رو به اعمال (الناس مسلطون على اموالهم) با قاعدة (لاضرر) رعایت دو حق در مقام عمل تراحم پیدا کند. قاعدة لاضرر حاکم است و دارای قاعدة تسلط بر اموال را محدود می‌کند و گفتگو شده است حتی اگر تصرف در ملک خوشی به قصد اضرار به غیر باشد، مطلعاً حرام است؛ اما اگر به قصد اضرار به غیر نیاورد آگر جمع امکان‌ها ناشته باشد یا یک جمع بین حقین کرده و آگر جمع امکان نداشت، چنانچه پنداشته باشد آنکه خودش متضرر شود، ضرر را از غیر را دور کند، باز هم تصرف حرام است. همان‌طور که حکایت سمره چنین احتمال می‌دهد و حکایت مزبور چنین است که سمره‌ن بین جنبب، یک اصل درخت خرما در باغ‌هایی که از انتصار داشت و خانه مرد انتصاری که زن و جبهه در آنجا به سر می‌بردند، در همان باغ بود، سمره برای چیدن خرما یا رشدگی به خلخالش بدون اجازه وارد پا یافت. مرد انتصاری خدمت رسول الله اعظم (ص) شکایت و حضرت، سمره را امر کرد که با آن وارد به باغ خود یا خلخالش را بفرود، اما وی نپذیرفت. حضرت فرمود: ما آراک اگذ را می‌پذیرند؟ آنکه رجل موجود با مرد انتصاری دستور داد که نخلخالش را از زمین درآور (الفسوس، ۱۴۰۱). مراجعه را انجام دهد، در همان باغ بود، سمره برای خلخالش یا رشدگی به باغ، بدون شک یک مصداق بارز میدیریت ریسک در نظام حقوقی اسلام می‌آید. 

همان‌طور که میدیریت ریسک نیازمند سبقت جستن در پیش‌یابی و قایمق و شناسایی خطرها و اقدام در جهت کاهش حداکثری زیان ناشی از آنها در صورت وقوع است، شروع
قدص نبى في مورد تطبيق قاعدة لاضطرار، في رأسماء حزام من جان. امال، عرض ودين
مردم باً بيمين وواقع وشناساء خطرها، اقتمام في جهت دفع يا كاهش حذاء كريزي زيان
ناشى ان آنها كرد وقاعدة مزور في اين راستا وضع شده است

(1) قاعدة نفى عسر وحرج

خداوند از روی لطف وتفضل احكام نسخت ومشقت بار را از مس اسلام برداشت است

به بيان دیگر، آنچه از آیات وروايات استفاده می‌شود، تکلیف و اجبار به عمالمی که دارای
عسر و حرجه و مشقت باشد، از سوی خداوند حکم، نمتنی است. به این مسئله قاعدة نفى
عسر و حرجه می‌گویند. ضابطه در قاعدة نفى حرجه، مطلق مشقت و عسری نیست که در
اکثر تکالیف موجود است، بله مشقت شدیدی که بطور عمومی در مانند آن فعل تحمل
نرم شود، مورد نظر است. این فرض همیشه وجود دارد که محال است شریعت اسلام
حکمی را تتشبیع کند و موجب حرجه و استعمال برای جامع شود. قاعدة نفى عسر و
حرجه، یکی از قواعد قویه است که بیشتر قطعیت مذاهب اسلامی در باب آن به بحث و
ارائه نظر برداخته و به آیه (برید الله بیکم الیسر و لا بیکم الْعَسْر) تمسک کردند (بقره:185)

خداوند سیحان در قرآن کریم فرموده است: (برید الله بیکم الیسر و لا بیکم الْعَسْر) و ما
جعل عليه با الذین من حرجه و رسول مکرم اسلام (ص) در حديث معرور فرموده
است: (یعنی على شرعت سماحة سهله) (کلبی، 1365، ج. 5: 494). برخی از فقهای غرامی
مانند سید محمد کاظم طباطبایی بزرگ به انتقاد همین قاعده در مواردی که تداوم ازدواج
برای زن مشقت‌بار باشد، به جواز طلاق قضائی حکم کرده است و این امر تجلی مداخله
بهران یا مداخله یکسک در حقوق خانواده است؛ به عقیده ایشان: «هکماکی که حیات زوج
مفعل، معلوم است، اما زوجه نمی‌تواند صبر کند و حتی در مورد زوج غیرمفسودی که
معلوم باشد محسوس است، اما بازگشت اه هرگز ممکن نیست و با مدرکه که شهوه
حاضر است و بعلت عستر نمی‌تواند نفعه زوجه را پردازد و هم‌اکنون نیز در این حالت
توان صبر و انتظار ندارد، هرچند ظاهر کلمات فقره عدم جواز طلاق زوجه توسط حاکم
است، می‌توان طلاق را به استناد قاعدة نفى حرجه و ضرر پذیرفت؛ به‌ویژه هنگامی که زن.
جوان باشند و سابع او در طول عمرش موجب آن شود که در مشتاق شديد بیفتد با 'در مورد افراد مسافر و بیمار که از حكم روزه معاف می‌باشند'، فلسفه آن را نفی عصر و حرح ذکر می‌کند. نفی عصر و حرح از عناوین ثانویه است که موجب جواز احکام اولیه تحریمیه می‌شود و گفته شده است: 'در حقوق بين الملل و نیز حقوق داخلی بسیاری از كشورها نظریه ای تحت عنوان "نظریه تغییر اوضاع و احوال" با "نظریه حوادث پیش بینی" است فارسی تعیین می‌شود که هدف از آن ایجاد تبدیل در شرایط مالی قرارداد است. مطرح می‌شود که شباشه زیادی با قاعدای نفی عصر و حرح در فقه و حقوق اسلامی دارد که مقایسه و تطبیق آن با قاعدای نفی عصر و حرح مفید به نظر می‌رسد. می‌توان گفت که مقایسه و تطبیق آن با مدلرایت ریسک در فقه و حقوق نیز مفید است.

رسک، ما را با شرایط مرکب از خطر و فرصت مواجه می‌کند که در قاعدای نفی عصر و حرح نیز دیگری همین شرایط وجود دارد و شارع مقدس فرصتی را برای بررسی فرض از خطر عصر و حرح منظور و در مقام تشريع و قانون‌گذاری حکم ثانوی را به مقضیات قاعدای مذکور جعل کرده است که تا شخصی که با عصر و حرح مواجه شده است، با استفاده از این راه‌کار شرایط پیش آمده را به‌سازش مدیریت و آن را به فرصت جدید تبدیل کند.

ج) قاعدای دفع المفسدة أولی من جلب المصلحة

یکی دیگر از قواعد فقهی که با مدیریت ریسک تطبیق دارد قاعدای دفع المفسدة ملزمین مبنای جلب المصلحة است. حضرت آیت الله خویی (ره) در مورد جواب سقط جنبی که حقوق مادرش را به خطر اندازد، که بر اساس شرایط مختلفی بایسته باشد. با این استفاده و حکم مسلمانی باشد. به آن استفاده و حکم مسلمانی بایسته باشد. در تراجم حقوق جان مادر و غنیم به فرضیات قاعدای مذکور,

رعایت حال مادر، مصداق بارز مدیریت ریسک است و مقضیات مدیریت عقلانی برای خطرات پیش رو به‌شمار می‌آید (خویی، 1416، ج: 3، مسئله: 411).

از جمله مواردی که شاید از مصاید دیگر این قاعدای بحث و بررسی شود، می‌توان به ایجاد محدودیت برای کسب‌های از احتکار یا گرانش‌های می‌کند و اساسا آنها به فروش پا قیدت عادلانه، فروش اموال ورشکستگان و ادای دیوان طلبکاران، محصور کردن مبادیان به بیماری‌های ویک‌بارد مثل وبا و ایدز به استفاده این قاعدای جلوگیری از ورد حیوانات و
قاسم فقهی مدیریت خطر در مقابل با زیبایی

احسان دارایی بیماری یا بذرها و نیانات در راستای این امر به منظور دفع مفسد و تقدم آن بر جلب منافع است که در امر پیشگیری و مقابل با زیبایی مدیریت این شاید استفاده شود. ترجیح منافع بر مضار یا ترجیح دفع مضار بر جلب منافع، نیازمند محاسبه بر اساس نظریه مدیریت ریسک است.

(۱) قاعدة اضطرار

قاعدة اضطرار یکی دیگر از قواعد فوقه است که نشانه کاربرد مدیریت ریسک در فقه اسلامی و حقوق جراید است. از مبان صاحب‌نظر شیعه مقدس اردبیلی گفته است: اضطرار آن است که مندگان گرسنگی صبر بر آن ممکن باشند (مختص اردبیلی، بی‌تا: ۳۷۳). علامه حلقی نیز در مقام تعیین مضرط می‌نویسد: مضرط کسی است که از تلف خویش بیم داشته باشد (حلقی، بی‌تا، ج ۳، ۳۲۴). مضرط بن دو امر ناخوشایند بزار می‌گیرد؛ که نیاز به مدیریت دارد و به حکم عقل باید از بین بیلده و بخطر (در صورت اضطرار و ناجاری) به را انتخاب کرد؛ به‌عنوان مثال اینکه فرد آیا مرتکب شرب خمر شود که در شرایط عادی حرام است و موجب حد می‌شود یا اینکه چاندرا از هلاکت نجات دهد و آن را شرب کند، از نظر شرع وظیفه دارد ریسک کند و با مدیریت خطر و شرب خمر، چاندرا را نجات دهد و هیچ گونه عقولی نیز بر او نیست و در این شرایط مشمول این آی است: «لایشیاً انفس‌کُم»

۱۷۷. این‌الله کان یکم زجیا» (نساء: ۲۹).

البته شرایط اضطرار باید رعايت شود. در شرایط اضطرار نیز با هریق فرآیند مواهیه

هستم و نه نیا ردان دندان ریسک و خطر تا سطح یازده فنی ناونم از قاعدة اضطرار استفاده کنیم و به اصلاح الضروره تندرست بقهرها (الزهیلی: ۱۴۲۷، ج ۱: ۱۰) و رعايت حد ضرورت لازم الطلب است و شارع مقدس در مقام تشريع و قانون‌گذاری در مورد اضطرار باید مدیریت خطر و ریسک قاعدة اضطرار را با همان رعايت مراتب که در فرآیند ریسک باید رعايت شود، جعل کرده است.

(۲) قاعدة اکراه

اکراه عبارت است از وادار کردن فرد بر کاری که نگر در بین مادی معنی‌یا جسمی
نکشوی از تهدید اکراه کننده نبود، آن را انجام نمی داد (نجفی، 1981، ج، ص 111). نکش اکراه در رفع مسئولیت کیفری قاعدای مسلم محسب است و تحت عنوان "رفع ما استکره علیه" (کلیسی، 1365، ج، ص 413، ص 17؛ صدوق، ج، ص 176؛ مجله، ج، ص 320؛ مجله، ج، ص 320). فردا 14 خرداد ماه است. مکره بین ارتكاب فعل مجرمانه و تحمیل خطر شدید باید یکی را برگردد. رهبری شرائع مقدس اسلام این است که باید خطر را مدیریت کند و برای دفع خطر شدید، خطر خفیف را پیپرده و خواصه اکراه نکنند. این همان مدیریت ریسک است که امر عقلایی بوده و شرائع مقدس نیز آن را امضا و تأیید کرده است. در صورتی که خطر ناشی از اکراه شدیدتر باشد (مانند سلب حیات) حق ندادار خطر را متویجه دیگری کند.

هدف و منظور اصلی از اعمال مدیریت ریسک، حداقل کردن احتمال وقوع با اثر پیامدهای منفی بر اهداف یک امر است. هدف شرایع از اعمال مدیریت قانونی و شرعی در پرتو قاعده اکراه، حداقل کردن احتمال وقوع با اثر پیامدهای منفی واقعه مجرمانه است.

(ک) مجاورت

برخلاف قضاوتی که بیشتر پس از کشف جرم و ناظر به مصلحت منهم است و موقعیت

اجتماعی فرد و سوابق مناسب ای، تعداد تحقیقی با اخذ تعهد کتیبه یا جیبی

است. زیمبوشی به معنای نادیده گرفتن و تجاهل نسبت به ارتكاب جرم است. مصلحت

اجتماعی اقتضا می کند که ارتكاب برخی جرایم در جامعه علیه و لوث شود، لذا متهمانی

به عدم اقرار تشکیل و مسئولان قضایی به زیمبوشی توصیه می شوند.

هدف این است که مجرمان به مسمت ثروتی ساده شوند. به علاوه قتل جرم و گناه نیز

در جامعه شکسته نشود. بر اساس این رویکرد، مجرمان قانون کیفری در جامعه باید

مجازات گرفته و بتوانند داخل کردن حجم انبوهی از افراد در زمینه مجرمان باشند، بلکه باید

با زیمبوشی و اخلاق، اظهارات مطموع و مرجع قضایی را به حداقل برسانند.

روایتی که مکرر با افکار مختلف نقل شده در این زمینه معروف است: "قال رسول الله صلی الله علیه و سلم اگر از این حدود بغل اسیران ما استطاعت فان کاه له مخرج فطلوا سبله" فی الامام ان یخطفي في الغفو خبر من أن یخطفي في الغفو؛ (سنن ترمذی، ج، ص 1424؛ النسن
الکبری للبیهی، ج. ۸ (۲۲۸): تا آنکه می‌توانید مجازات‌ها را از مسلمین دفع کنید. اگر
امام در عقوت اشباه کند، بهتر از آن است که در مجازات اشباه کند. اگر راه خروجی از
مجازات برای مسلمانی باشد، او را ها کنید (شهید ثانی، ۱۲۸:۳۴۳; امام شافعی,
۳۰۴۰، ج. ۸:۳۷۶).

ل) اصل فردی کردن مجازات‌ها
یکی از اصول ارزشمند در سیاست کیفری اسلام، توجه به شخصیت مجرم و شرایط
ارتكاب جرم و تعیین مجازات عادلانه و مؤثر بر اساس آن است. سیاست کیفری اسلام در
جرایم موضوع حد با تعیین دقیق شرایط مرتكب و اوضاع و احوال مرتكب جرم به
جمع بندی واحده رسد. در موارد معید، مجازات معین و ثابت را تحت عنوان "حده
پیش بینی و در موارد فردی کردن تقنينی را اعمال کرد و تفاوت‌هایی قابل شده است. اما
در سیایی از عناوین مجرمانه که مشمول مجازات‌های تعزیری هستند، فردی کردن قضایی
با توجه به شخصیت مرتب و اوضاع و احوال ارتكاب جرم و سوابق مجرمانه صورت
می‌گیرد.

م) قاعدة دره
در سخنی که از رسول خدا (ص) نقل شده، در یادآوری در کتاب هم مطرح شده و در مقالب
حدود قرار گرفته که از این قاعدة مستثنی کرده است: "افردا اوالعده بانیهای و اقلیال اوالکرام
عبرت آنها ایفای خدای اوالله" (نوری، ۱۴۰۸، ج. ۲۶:۲۲). در روایتی از امام عالی (ع)
نقل شده است که فرمودند: "افقلوا دوازده عطرت عطرت فدا عفرت می‌شد و عفرت می‌شد.
الله یارم‌م‌ه؛ از لغزش‌های افراد وارسته و شرافتمند درگذشته کسی از ائمه مکه می‌گذشت
دمخت در دست خداست و بدرخش می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۲۷:۲۱). متنهم از دوازده
العشرات، بمعنای افراد شرافتمند باشند. نه به این معنا که از طبقه متفاوت با فائز به نفوذ و به نوبت
جرم شناسان، اقدام یکه سفید جامعه، بلکه لازم است شرافتمند و فاقد سابقه مجرمانه باشد.
دوم اینکه مرتكب عشرات، نمی‌تواند لغزش‌های کوچک شده باشد. بنابراین، اصل مربوط در
جرایم مهم اعمالی نیست. بلکه در لغزش‌های کوچک اعمال می‌شود. در روایت
پژوهش‌های قبایل، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷

۴۸

**نتیجه‌گیری**

از مجموعه قواعد و اصولی که بحث و بررسی شدند، این نتیجه حاصل شد که برای تدوین یک سیاست جنایی کارآمد و مؤثر در مقابل این‌گونه وضعیت اجرایی کننده در برخی اصل‌شناسی به توجیه مطلوب دست یافته‌ایم. از جمع‌بندی مباحث روشن شد که اموزش‌های اساسی به‌نفیساب مبانی مدیریت ریسک در مقابل و تعارض نیست، بلکه بر اجرای آن نیز تأکید دارند. لذا باید ضمن هنگام‌گزارانی و تعیین وضعیت اجرایی یکی مورد لازم، یک سیاست منطقه‌ای به حداکثر کارآمدی و حداکثر هزینه‌ها را پیش‌بینی کرده مدیریت ریسک در صدد به حداکثر رساندن منفعت به حداکثر رساندن هزینه‌های مدیریت ریسک است، به حداکثر ریسک کل اساس چنین امکانی وجود ندارد. برای تحقیق این هدف، جای به نتیجه فکر گردیده یا مشخص و برای رسیدن به آن باید ارائه کرده دیدگاه مقایسه‌نگاری مدیریت ریسک
چنین رویکردهای ندارد. در هر شرایطی هنرجویانی را می‌پیچید و ضمانت اجرا الره را عملاً‌ی کند، لیکن مدیریت رسک‌های افتضاح دارد که از جرم بودن یا کیفر دادن رفتارهایی که جرم شناخته‌اند، صرف نظر کنیم؛ زیرا با این روش بهتر می‌توانیم به آن شخص انداز و هدف کلی برسیم. انعطاف‌پذیری سیاست کیفری اسلام در جرایم تعزیری، بزهکاری یقه‌آبی‌ها، شرایط اکرایه، اضطرار، دفاع مشروط، نوبه، احکام ثانویه و امثال آن، سیاست جنایی منطقی را ایجاد کرده است که کمتر نظری آن را می‌پایانم. لازم به ذِر ش این نظریه، گذار از رویکردهای سنی و غیرعلمی در مقابله با بزهکاری است. رویکردهایی که هزینه‌‌های فایده را در اقدامات علیه یک یک دیده می‌نماید، باید کتار گذشته شوند. افتخار به رسیدگی به هدف میلیون‌ها پرونده با بسیار میلیون‌های سایسپلس در امور کیفری و امثال آن طی یک سال، ناشی از فقدان این بحث نظری در اندیشه مجریان سیاست جنایی است. تا این اندازه متحول شد هیچ اتفاق مختلفی نمی‌افتد. این مقاله دریگاه مزبور را تبين و تطبیق و هم‌خوانی اصول و مباني سیاست جنایی اسلام به‌ویژه فقه امامی و حمایت از آن را اثاث کرد. بايد از محرم‌ها بودن آمارها جلوگیری و به دانشمندان و پژوهشگران اعتماد کرد و آنان را به مطالعه علمی و ارائه راهکار دعوت کرد. آنان بايد شیوه‌های تعقبل کیفر و برهمز از عوارض منفی آن را مطالعه و پیشنهاد دهند. اصول بر کیفر، نقطه مقابله سیاست کیفری اسلام است. این نقطه آگاهی متحول و توصیه محصول می‌شود و بدون آن نابود هیچ‌گونه پیشرفتی را در امر مقابله با بزهکاری انظار داشت.
کتابنامه

قرآن کریم (۱۳۸۷). ترجمه علی مشکینی، قم: الهدی.

نهج البلاغه (۱۳۸۸ ق). تحقیق شیخ محمد عبده، پروت: دارالمعارف.

۱. ابری، مارین، و پیان مژید (۱۳۹۴ ق). جریان‌های مفاهیم کلیدی، ترجمه سید محمد میرخیلی و جلال الدین حسینی، تهران: انتشارات بهنامی.

۲. ابی‌بایه، ایب حجیر محمدین علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۰ ق). من لاحکه الفقه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳. ابی‌قلیه، عبدالله ابن احمد و محمدین احمد (۱۴۰۴ ق). المقنع و شرح الكبیر، پروت: دارالفکر.

۴. ابن منظور (۱۴۱۶ ق). لسان العرب، ۲ جلد، ج ۱، پروت: دارالاحیاء التراث العربی.

۵. ابن نجیب، زین الدین ابن ابراهیم (بی‌تا). البحر الحدائق، القاهره: دارالکتب الاسلامیه.


۷. انصاری، محمد علی (۱۴۲۴ ق). الموسوعه الفقهیه المبهره، قم: مجمع الفكر الاسلامی.

۸. اموری، حسن (۱۳۸۱ ق). فرهنگ بزرگ سنن، تهران: صاببکه مهارت.

۹. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۱۲ ق). منتهی الدرايه، توضیح شارح محمد جعفر جزایری، پرچم: مؤسسه دارالکتب (الجعایری).

۱۰. بارکر، جرج (۱۳۷۸ ق). مدیریت مالی و ابعاد مدیریت ریسک، ترجمه و گزارش آک در سازمان دولتی مالی، ترجمه علی پارسالان، مجله تحقیقات مالی، سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴: ۱۳۵۱ تا ۱۴۴۴.

۱۱. جهانخانی علی، پارسالان علی (۱۳۷۵ ق). فرهنگ اصطلاحات مالی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های پارکه‌ای.

۱۲. حرانی، ابومحمد حسن (۱۳۶۳ ق). تحقیق العقول، قم: نشر غفاری.
13. حلي، فخري المحققين، محمد بن حسن بن يوسف (1387). إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد، قم، مؤسسة اعماليان.

14. حلي، طالب محمد بن الحسن بن يوسف بن المظهر (بقيتا). إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد، مؤسسة تحقيقات ونشر معارف اهل البيت (ع).

15. خميني، سيد روح الله (1418 ق). الاجتهاد والتقليد، تهران: مؤسسة تنظيم ونشر آثار الإمام خميني.


17. خوئینی، ابوالفاسم (1416 ق). صنایع التحریک، صفحه 117، تهران: نشر بزرگ‌ها.

18. __________ (1418 ق). موسوعة الإمام الخوئینی، قم: مؤسسة حبوب آثار الإمام الخوئینی.


23. شهید ثانی، زین العیین الجعفری العاملی (1268 ق). مسائل الافهام التي تتفحیش شرایع الإسلام، ج. 2، قم: مؤسسة المعارف الإسلاميه.


27. طباطبایی، سید علی (1404 ق). ریاض المسائل، در بین الاحکام بالسندلاط، تهران: مختصات النافع، قم: مؤسسه آل البيت.

29. طبیعتی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان در تفسیر الفاظ، بیروت: مؤسسه الاعلیت للطبعات.
30. الفاطمی، ابراهیم (۱۴۶۸ ق). المبسوط، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
31. الخلاف، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
32. بیروت: دارالتعارف.
33. عاملی، حسن بن زین الدین (بی تا). معالم الاصول، تهران: نشر قدس.
34. عباس نژاد، محسن و همکاران (۱۳۸۵ ق). پژوهش در قرآن و حقوقی مشهد: مؤسسه انتشاراتی بیان پژوهش های قرآنی خوزه و دانشگاه.
35. غزالی محمد بن محمد (۱۳۵۱ ق). اخبار علماء الدین، ترجمه فریدالدین محمد شووارزمی، به کوشش حسن خدیو جم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
37. الفراشی، محمد بن احمد (ابن اخوه) (۱۴۰۸ ق). معالم الفقهی و احکام الحسین، تحقیق محمد محمود شعبان و صدیق احمد عسی المطبعی، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
38. گوگردی در مقام یکی از خلیفان به فارسی، تایپ و کارشناسی اسلامی.
40. ماریه، فیلیپ (۱۳۹۴ ق). کهرب و مدرک خطرنافته به‌سوی عقایدی محاسبه‌گر در اروپا، ترجمه کاشی اسماعیلی زاده، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۸۳ - ۸۴.
41. مجلی، محمد بن ابراهیم (۱۴۰۳ ق). بحار الانتار، ج سوم، بیروت: دارالاصحاب العربی.
42. محمد اردیبیلی، احمد بن محمد (بی تا). زیده‌البیان در احکام الفاظ، تهران: انتشارات مرتضوی.
43. محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۱ ق). قواعد الفقه، تهران: نشر میران.
44. مدینی، سید جلال الدین (۱۳۷۳ ق). سایر کلیات حقوق، تهران: نشر همراه.
45. مظفر، محمد رضا (۱۴۳۰ ق). اصول الفقه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
مباحث فقهی مدیریت خطر در مواجهه با بهره‌گران

۴۶. نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). جواهرالکلام. بیروت: دارالاحیاء النزیه ایران. خرداد ۱۳۶۲.

۴۷. تعمیر، نجفی. منیره، نجفی. کتاب‌های کلیه‌ای از انسداد کلام و خرداد. تهران: شرکت چاپ و نشر پارسی. خرداد ۱۳۶۲.

۴۸. نوروز، ایرج، دیانتی، دیلمبی. زهره (۱۳۸۳). مدیریت مالی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. خرداد ۱۳۸۳.

۴۹. نوروزی، میرزا حسن (۱۴۰۸ ق). مستند کاروسیران، مؤسسه آلبرت دارالاحیاء النزیه. خرداد ۱۳۸۳.

۵۰. نوروزی، محسن. (۱۳۸۸). روزنامه‌ای، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۵۱. نوروزی، شریف‌الدین (۱۳۸۸). شرکت: انتشارات غزایی. خرداد ۱۳۸۸.

۵۲. تایور، دیوانی (۱۴۰۶ ق). احکام السلطانین، قم: مکتبة الاعلام الاسلامیه.